

مومنی: تورم دو رقمی 50 ساله را محال است با دستکاری اقتصادی حل کرد

مهم‌ترین علل و ریشه‌های تورم از
دیدگاه دو اقتصاددان:

چرا بحران‌ها، حادث‌تر می‌شود؟

گروه اقتصادی

فرشاد مومنی، استاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد و حسین راغفر، استاد اقتصاد دانشگاه الزهراء، در نشستی با بررسی مهم‌ترین علل و ریشه‌های تورم، به بیان راهکارهایی در این ارتباط پرداختند. فرشاد مومنی سال‌هاست که نسبت به سیاست‌های غلط اقتصادی دولت‌ها هشدار داده است. او معتقد است مشکلات اقتصادی ایران راه‌حلهای ساختاری دارد. در این سخنان که در میزگردی همراه با راغفر بیان شد مثال جالبی زد و با اشاره به رمان قمارباز داستایوفسکی برخی مناسبات حاکم بر اقتصاد ایران را ترسیم کرد. او در این سخنرانی عنوان کرد که طی 15 سال گذشته ترجیح ساختار قدرت این بوده است که مسائش را به صورت غیربرنامه‌ای و به صورت موردی و جزئی و جزیره‌ای حل کند. به همین دلیل در 15 سال گذشته قادر به حل هیچ مساله منفردی نبودند و چقدر خسارت به کشور تحمیل شد و بعد معلوم شد اگر قرار است نرخ ارز کنترل شود، نمی‌تواند مستقل از سیاست‌های پولی و مالی و تجاری و صنعتی این کار را انجام دهد؛ به همین دلیل است که همه بحران‌ها حادث‌تر می‌شود. راه نجات این است که از طریق توزیع عادلانه قدرت و ثروت همه صداها شنیده شود و این‌طور نباشد که فقط منافع الیگارشها در اتخاذ سیاست‌ها محور شود. مومنی گفت: وقتی که مثلاً تورم در يك كشوري بیش از 50 سال تداوم پیدا می‌کند، معنایش این است که ما با يك مساله ساختاری روبه‌رو هستیم. بنابراین با دستکاری‌های صرفاً

اقتصادي، ديگر محال است بشود اين را حل و فصل كرد. به تعبير دقيقى كه اشاره شد ابتدا بايد يك اراده سياسى وجود داشته باشد و آن اراده سياسى هم در شرايطى كه حكومت و ساختار قدرت توزيعش، ناعادلانه باشد جزو محالات است. وزن زور آن اليگارشها و مافياها از حدود متعارف فراتر رفته و بنا بر اين اين يك ماجراى بسيار پيچيده است.

هنرمندان به ايران كمك كنند

ذهن هنرمندان از يك لطافت و يك فطري بودن برخوردار است؛ معمولا اينها پيامهاي اصلي حاكم بر نظم اجتماعى را حتي از اندیشه‌ورزان و متفكران زودتر دريافت مي‌كنند. نمونه تاريخي‌اش رمان قمارباز نوشته داستايفسكي است؛ در آنجا نشان مي‌دهد كه چطور مناسبات مافيايي بازي حيات جمعي را چه از نظر سياسى و چه از نظر اقتصادى و چه از نظر اجتماعى به يك قمارخانه تبديل مي‌كند. شما ببينيد هفتاد سال بعد از داستايفسكي و انتشار رمان قماربازش، جان مينارد كينز كتاب پيامدهاي اقتصادى صلح را نوشته است كه در واقع انعكاس تجارب او از پديده پيامدهاي سياست‌هاي تورم‌زاست. دقيقا آنجا هم كينز مي‌گويد تورم سوداگران مالي را تبديل به موتور خلق ارزش مي‌كند و وقتى كه اقتصاد مالي‌سازى شد يعنى به يك قمارخانه تبديل شده است و دقيقا از همان عبارت‌هايي كه داستايفسكي استفاده کرده او هم آن را برمي‌گزیند و در آن كتاب كه يك شاهكار فوق‌العاده است، مي‌گويد: چهار گروه استدلال وجود دارد كه مساله تورم به نظام حيات جمعي برمي‌گردد و اگر اراده سياسى و منافع بخش‌هايي از حكامان در اينجا باشد ديگر با استدلال‌هاي كارشناسي، مساله را نميشود سامان داد.

قمارباز داستايفسكي و اندیشه اقتصادى كينز

اين حرف‌ها را كينز در 1920 يعنى بيش از صد سال پيش زده است. در آنجا مي‌گويد وقتى كه تورم از حدود متعارف فراتر ميرود و طولاني‌تر ميشود، اساس جامعه را تهديد مي‌كند. بنا بر اين بايد به تعيين‌كننده‌هاي اصلي قدرت گفت كه بدانند دارند گور خود را در درجه اول مي‌كنند، چراكه بخش‌هاي وسيعي از مردم زجر و فقر و فلاكت را تجربه مي‌كنند و ستون فقرات جامعه به لرزه در مي‌آيد.

آنگاه كه قراردادها بي‌اعتبار ميشوند

بنا بر گزارش جماران؛ مومني در ادامه سخنان خود با بيان اينكه

تمام استدلال‌های کینز بدون استثنا قابل ردگیری است، در ادامه گفت: اولین نکته که کینز می‌گوید این است که تورم، بازی اقتصادی را به قمار تبدیل می‌کند که فقط ثروتمندان در آن برنده می‌شوند. دومین نکته که می‌گوید این است که وجه اجتماعی مساله را برجسته می‌کند و می‌گوید تورم موجب بی‌اعتبار شدن همه قراردادهای می‌شود. پدیده صدور چک‌های بلامحل یکی از نشانه‌های این پدیده است. پدیده وفور بی‌سابقه طلاق هم از این جهت قابل توجه است. کار به جایی رسیده است که شرم می‌کنند آمارهای طلاق را اعلام کنند. استدلال سومی که کینز می‌کند این است که حساسیت‌های‌تان را راجع به تورم به اندازه اهمیتش بالا ببرید. او می‌گوید تورم نیروی محرکه همه انواع نابرابری‌هاست. وقتی نابرابری‌ها از حدودی فراتر می‌رود همه عرصه‌های حیات جمعی دچار عدم تعادل می‌شوند. نگاه کنید که همان قدر که الان فقرا و محرومین احساس نااطمینانی دارند ثروتمندان اگر بیشتر احساس ناامنی نداشته باشند کمتر هم ندارند و نشانه‌اش را شما می‌توانید در این برج و باروهای چند لایه و سیستم‌های قفل در و چیزهای عجیب و غریب در برخی مناطق ببینید. در شرایطی که نابرابری‌های ناموجه از حدود متعارف فراتر می‌رود هیچ کس امنیت نخواهد داشت. نه حکومت‌گراها و نه ثروتمندان و نه گروه‌های فرودست. نکته چهارمی که کینز مطرح می‌کند این است که می‌گوید هیچ عرصه‌ای از حیات جمعی مصون از بحران نخواهد بود. یعنی تورم وقتی از حدودی فراتر می‌رود و دوره زمانی‌اش از حدودی طولانی‌تر می‌شود، همه عرصه‌های حیات جمعی را دچار بحران می‌کند. بحران زیست محیطی ما دست‌کم از سایر بحران‌ها ندارد. بازی جمعی در اثر سیاست‌هایی که منافع مافیایها را تامین می‌کند، بازی کازینویی و قمارخانه‌ای می‌شود!

ترس بی‌جا از افزایش حقوق و دستمزدها

مثلا یکی از دروغ‌های بزرگ دیگری که در این مناسبات مرتبا مطرح می‌شود ترساندن بخش‌های سالم و باشرافت ساختار قدرت از نقش دستمزد در تورم است. بنابراین آن کاری که نئوکلاسیک‌های وطنی در ایران می‌کنند و می‌گویند فقط این عامل و نه چیزهای دیگر چقدر می‌تواند دور از ذهن باشد. نگاه کنید که از نظر تئوریک می‌گویند به شرطی افزایش دستمزد می‌تواند منشا تورم باشد که قدرت خرید افراد متناسب با رشد نقدینگی افزایش یابد. اگر این تناسب وجود نداشته باشد به شکل حقیقی اصلا افزایش تقاضایی در اثر افزایش دستمزد رخ نمی‌دهد. افزایش دستمزدهای فعلی جز در موارد استثنایی، بخش کوچکی از قدرت از دست رفته مزدبگیران را جبران می‌کند. پس نسبت دادن خطر جاذبه

تقاضا در این شرایط از اساس دروغ است.

شوڪ درماني و دروغ پشت دروغ

وقتي هم بعد از شوڪ درماني با جهش قيمت مواجه ميشوند، فوري سراغ افزايش يارانه پرداختي ميروند! در 1401 وقتي آن شوڪ نرخ ارز را ايجاد كردند، بلافاصله ترسان و لرزان گفتند كه به فوريت به بعضي خانواده‌ها 300 و به بعضي 400 هزار تومان علاوه بر يارانه قبلي پرداخت مي‌كنيم. يا وقتي شوڪ مشكوك خصوصي‌سازي در ايران به جريان افتاد و برخي به طعنه آن را اختصاصي‌سازي ميناميدند، وقتي مي‌پرسيديم چرا اين كار را مي‌كنيد، مي‌گفتند مي‌خواهيم تصدي‌گري‌هاي دولت را كاهش دهيم؛ درحالي كه در تمام اين دوره 30 ساله با هر موج خصوصي‌سازي ما با افزايش تصدي‌هاي دولتي حتي نسبت به قبل روبه‌رو هستيم. تصدي‌هاي دولتي الان كه 30 سال است اختصاصي‌سازي مي‌كنند، نزديك به دو برابر نسبت به شرايط جنگي شده است! مي‌گفتند شوڪ درماني مي‌كنيم و مي‌خواهيم قيمت‌هاي نسبي را اصلاح كنيم. درحالي كه مي‌بينيم اين اصلاح قيمت‌هاي نسبي چه كار كرده است! ارزش جان انسان‌ها و ارزش كار انسان‌ها را به كجا رسانده است؟ امروز ارزش جان انسان‌ها معادل حدود سه متر مربع زمين در مناطق شمالي تهران شده است. قيمت‌هاي نسبي را اين‌طوري با شوڪ درماني اصلاح كرده‌اند!

بي‌انضباطي مالي دولت بيشتر شده است

حسين راغفر ديگر اقتصاددان حاضر در اين نشست نيز در بحث علل تورم در ايران؛ مساله تورم کشورمان را كاملا با مسائل توليد مرتبط دانست و گفت: در رويكردهايي كه براي بررسي تورم در اقتصاد مطرح ميشود، تورم مبتني بر فشار هزينه يا فشار تقاضا ديده ميشود. البته ما عامل اصلي تورم را بيشتر به دليل فشار هزينه مي‌بينيم كه اصلي‌ترين علت آن اعمال جهش‌هاي ارزي در کشور است كه باعث شده هزينه توليد افزايش يابد و قيمت‌ها بالا رود. تورمي كه از اين طريق ايجاد ميشود، بهانه‌اي است كه مجدداً افزايش قيمت ارز انجام شود. به گفته اين استاد اقتصاد؛ شرايط فعلي، مارپيچ تورمي ايجاد كرده؛ هر سال اين اتفاقها افتاده و تناوب شكل‌گيري اين مارپيچ تورمي در سال‌هاي اخير بيشتر شده است؛ به اين علت كه بي‌انضباطي‌هاي مالي دولت‌ها بسيار گسترده‌تر شده است. بعد از جنگ، يعني از سال 1372 به اين سو، بيشترين فشار بر جهش‌ها و شوڪ‌هاي ارزي بوده و تاكنون ادامه پيدا كرده و هر بار ارزش پول ملي تضعيف شده است.

انحصار؛ اصلي ترين محرك تورم

این استاد دانشگاه الزهرا، تاثیرات این مسائل را بر تورم بسیار تعیین‌کننده دانست و گفت: در شرایط کنونی اصلی‌ترین محرك تورم ایران، انحصارهای حاکمیتی است. نهادهای بنیادهای مختلف، انحصارهای قدرتمندی هستند که منابع ارزی کشور و تسهیلات بانکی اگر وجود داشته باشد، اول به آنها تخصیص داده می‌شود. به همین دلیل بیش از

20 سال است که با فرار سرمایه در بخش خصوصی مواجه هستیم. بخش خصوصی نمیتواند با اینها در چنین شرایطی رقابت کند. بنابراین یا منابع خود را از کشور خارج کرده یا اینکه خود نیز وارد سیستم سفته بازی و سوداگری شده و با همین نهادها و سیستم همکاری میکند.

جامعه دارد از کیسه خود می‌خورد

وي ادامه داد: به اصطلاح، جامعه دارد از کیسه خود می‌خورد و این اقتصاد قادر به زایش ارزش افزوده و ایجاد اشتغال نیست. بحران پاییز 1401، محصول ناتوانی اقتصاد کشور در خلق شغل بود. پیامد بزرگ آن نیز مساله مهاجرت بی‌سابقه است که امروز جامعه ما گرفتار آن شده است. چنین سیل مهاجرتی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم را هیچ‌گاه، حتی بعد از انقلاب، نداشته‌ایم. اینها پیامدهای بسیار مرگباری برای اقتصاد ایران دارد.

پشتیبانی مافیای رسانه‌ای از غارتگران

در ادامه، راغفر اضافه کرد: در سال‌های اخیر، بخشی از اقتصاد خوانده‌های کشور در خدمت همین نظام چپاول و غارتی موجود، توجیه‌گر تورم بوده‌اند. با پشتیبانی مافیای رسانه‌ای خاص دایما به دروغ تکرار می‌کنند محرك اصلی تورم نقدینگی است! درحالی که در آلمان و ژاپن و چین، 2.5 برابر تولید ناخالص داخلی، نقدینگی خلق می‌شود، اما این نقدینگی روی تولید می‌نشیند. اما متأسفانه در کشور ما 50 درصد مردم، براساس سامانه معیشتی ایرانیان که در وزارت کار است، فاقد حساب پس‌انداز هستند. از آن 50 درصدی که حساب دارند، 2.5 درصد، بالغ بر 80 درصد سپرده‌ها را کنترل می‌کنند! این فاجعه‌ای بزرگ است که نشان می‌دهد نابرابری تا چه اندازه وحشتناک است.